

گفت و گوی پرویز کلانتری با مینا نادری

تورا من چشم در راهم



پرویز کلانتری

این روزها دغدغه ذهنی‌ام حضور پررنگ بخش زنانه در هنر امروز ایران است به ویژه در هنرهای تجسمی. در اینجا با زن هنرمند نقاشی گفت‌وگو می‌کنم که گرچه روشنفکری را آموخته‌های بسیار است، اما در زیاد سخن گفتن اسماک دارد.

می‌پرسم: متولد کجا هستید؟

کوتاه پاسخ می‌دهد: تهران، خیابان شیخ‌هادی.

او نمونه‌ای است از روشنفکران درون‌گرا و کم حرف. از این در و آن در گفتم تا کم‌کم او را به حرف آورد.م. از این پرکنده‌گویی‌ها اشاره‌هایی دارد به کلاس‌های فلسفه و تاریخ هنر و… می‌گوید نگاه جدید به نقاشی را از آقای اطمینانی آموخته و از سال ۷۶ تاکنون از تجارب آقای مسلمان استفاده کرده است و از کلاس‌های تئوری و عملی آقای شانس تحت عنوان «فرم و فضا» و از کلاس‌های «تاملاتی در باب نشانه‌شناسی» ایشان استفاده کرده است و همچنین به کلاس‌های تاریخ هنر و نقد آقای سوری رفته و از هشت ترم کلاس‌های تاریخ هنر معاصر دکتر سمیع‌آذر بهره برده است.

سخن کوتاه، خانم مینا نادری وقتی به سخن می‌آید از کلاس‌های فلسفه و بحث تقدیر در نمایشنامه هاملت یا از نمایشنامه‌های اریک اماتول اشمیت سخن به میان می‌آورد یا در قلمرو شعر اعتراض به آثار جنجال‌برانگیز اخماتو یا فروغ فرخزاد اشاره می‌کند؛ حرف‌هایی که حضور پررنگ زنان هنرمند معاصر ایران را نداعی می‌کند؛ هنرمندانی که به گواه نمایشگاه‌ها و جراح‌های نقاشی در دویی و… شباهتی به هم‌تایان‌شان در همسایگانی چون عراق، پاکستان، افغانستان و نه حتی در ترکیه که یک پایش توی اروپاست ندارند. مینا نادری ده سال گذشته فرزند ۲۱ساله‌اش در تصادف اتومبیل در گذشت. جرات نمی‌کنم جزئیات این حادثه دلخراش را ببرسم.

او برای درمان زخم‌های روحی به نقاشی پناه برده است. آثارش انتزاعی است که نشانه‌ای از گمشده‌اش را دارد و در واقع هر يوم نقاشی معیادگاه دیدار و گفت‌وگو با گذشته‌اوست.

می‌پرسم: این تصویر کمرنگ چشم در بالای نقاشی برای چیست؟

می‌گوید: تو را من چشم در راهم.

نام این فرزند از دست رفته «وندا»ست.

وجه تسمیه و معنی «وندا» را می‌پرسم.

می‌گوید: این نام از اوستا گرفته‌یم. وندا پسوند است مثل خاوندان. به شکل دیگرش «وندیداد» نام قهرمان سلجشور افسانه‌ای است که با پاییدی‌ها می‌جنگد. «وندا» در سال ۶۷ به هنگام جنگ عراق در ایران به دنیا آمد. به نشانه‌شناسی و تمثیل اشاره می‌کند. در شرایطی که نه او و نه من فرصت کافی برای گفت‌وگو نداریم و از طرفی هم او در سخن گفتن اسماک می‌کند، چاره کار را در این اندشتم که پرسش‌هایم را به او بدهم و پاسخ کتبی از او دریافت کنم. دو روز بعد که خانه نبودم پاسخ کتبی او را که از روزنه در خانه به داخل افتاده بود دریافت کردم. نوشته‌ها در بعضی جاها خوانا نبود. تلفنی از او خواستم در زمینه اشاره‌هایش به تقدیر در نمایشنامه هاملت و نمایشنامه‌های اریک اماتول اشمیت و چیزهایی از این قبیل بیشتر توضیح دهد. دو روز بعد نامه‌هایش را از همان روزنه به داخل خانه انداخته بود؛ نوشته‌هایی که برابرم شخصیت زن روشنفکر ناخوشایونی را معنی می‌کرد. در اینجا بخش‌هایی از نامه‌هایش را می‌آورم:

گرایش امروزی هنرمند به مرزها و قلمروهای تازه، به گونه‌ای است که هر تابلو برابرم فریبی رویایی از ونداست به طوری که به وسیله آن به جسم معنا و

گفت‌وگو با الهام حسین حاجی به بهانه برگزاری نمایشگاه نقاشی‌هایش در گالری شیرین

با این آثار زندگی کرده‌ام

الهام حسین حاجی» از آن دست نقاشان جوانی است که اگرچه چندان اهل هیاهوهای متداول نیست و اصراری هم به نمایشگاه‌های زود هنگام ندارد، اما از آثارش می‌توان مشاهده کرد که نقاشی عمیق است و آینده‌ای درخشان

پیش رو دارد. او چندی قبل در گالری «شیرین» نمایشگاهی برگزار کرد که با استقبال روبه‌رو شد و در عین حال بار دیگر نشان داد که نقاشان جوان حرف‌های بسیار برای گفتن دارند.

— — —

— سه سال از آخرین نمایشگاهی که شما برگزار کرده‌اید که در گالری «شیرین» برگزار شد، می‌گذرد. در این سه سال در نقاشی‌هایت چه اتفاقی رخ داده است؟

در این نمایشگاه بیشتر سعی کرده‌ام به فیکورهای انسانی توجه داشته باشم. در واقع می‌توانم این گونه بگویم که تا پیش از این نگرشی بیرونی‌تر داشتم، اما هم‌اکنون نگاهم انسانی‌تر و فلسفی‌تر شده است و همین شاید کارهایی را که در نمایشگاه اخیرم ارائه کردم از دیگر کارهایم جدا می‌کند. در این میان البته از رنگ‌ها نیز به معنای خاص استفاده کرده و تلاش کردم مفهوم مورد نظر خود را به کمک رنگ‌ها بیان کنم.

— رنگ‌ها در این آثار بستری را برای بیان تکنیک فراهم کرده‌اند. چرا تا این اندازه رنگ در این زمینه موثر است؟

در تمامی کارهای من رنگ‌ها فرم ویژه‌ای به کار می‌دهند. گاهی آنها مفهوم خاصی را القا می‌کنند و

سال پنجم ■ شماره ۱۰۴۳ ■ یکشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۹



عرصه هنر بود. این دیگر ماجرای بود که بر سرم آمد. ماجرا یعنی سفر، سفر نه در شاهراه‌ها که در کوهرراه‌ها. در شاهراه‌ها فقط به خود می‌رسیدم نه به جهان. این بار در کوهرراه‌ام گم شده بودم. «توان جور دیگر اندیشیدن» آیا کمکم کرد؟ مازدی در شخصیتم یافتم که نگاه به کمکم آمد. توان تحمل مصیبت را به من هدیه داد. پس از یک ماه وقتی بساط نقاشی را پهن کردم و فهمیدم مرگ و اشتیاق با هم رابطه درونی دارند. دور ماندن همان نزدیکی است. جهان برای کسی تهی است که خودش چندی نکند برای اشتیاق. تلاش، کسی را که مشتاق است، حضورمند می‌کند. او، هم هست و هم نیست. «بودن بدون بودن» را تجربه می‌کنم و هم خودم، هم او را.

نمود او در عین بودن انتزاع بزرگ زندگی من است. که به زندگی‌ام دوباره معنی می‌بخشد.

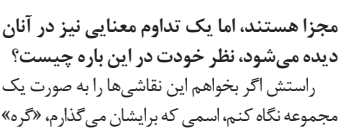
■ ■ ■

از خانم نادری تلفنی خواستم درباره مساله هاملت از کلاس‌های فلسفایش برابم بنویسد. دو روز بعد نامه‌هایی را از هسان روزنه ورودی خانام دریافت کردم. در این باره نوشته است:

به کمک آنها خلی‌هایم را هر چه بیشتر کشف می‌کردم. خلاصه در شاهراه و بزرگراهی به سرعت می‌اندم و بزرگراه مسیر حرکتم بود تا اینکه آوار بر سرم خراب شد. این من نبودم که باید مقابله می‌کرد؛ این بار از بیرون «من» را می‌دیدم؛ منی که ساخته و پرداخته

□

مجزا هستند، اما یک تداوم معنایی نیز در آنان دیده می‌شود، نظر خودت در این باره چیست؟ استثنی اگر بخواهم این نقاشی‌ها را به صورت یک مجموعه نگاه کنم، اسمی که برایشان می‌گذارم، «گره»



خواهد بود. تمام این تابلوها زنان و مردانی هستند که گاهی کنار هم ایستاده‌اند، گاهی ریسمانی به دورشان است و گاهی گریه می‌کند یا از هم باز شود. در آخرین کار یک فیکور تازه شکل می‌گیرد. انگار می‌خواستم در این تابلو رهایی را به تصویر بکشم. مفهومی که در ذهن خودم وجود داشت، همین رهایی است؛ باز شدن

گره از روایت‌ها اسانی.

— به همین خاطر است که هیچ کدام‌شان اسم نداشتند؟

شاید. البته هر کدام از این آثار همان گونه که گفتم، ساختار مستقل خود را دارند. اگر هم چنین استنباطی می‌شود این را می‌پذیرم. این آثار حاصل یک سال و نیم گذشته هستند که من به شدت با خودم و جهان‌بینی‌ام درگیری داشتم.م در واقع این آثار را باید جزئی از عقیده و جهان‌بینی‌ای دانست که هم‌اکنون به آن رسیده‌ام و در این مدت زندگی‌اش کرده‌ام.

— این فیکورها هم کمی پیچیده نیستند؟ انگار که گاهی ایسن آدم‌ها در میان این همه پیچیدگی گم می‌شوند.

شاید. همین را هم می‌خواستم. خاصیت این کارها همین است. باید این پیچیدگی ابتدا احساس شود تا من به عنوان خالق‌شان این امیدواری را داشته باشم که درک شوند. به همین خاطر هم هست که به آنها «گره»‌ها می‌گویم.

— «گره»؟ منظورت مشکلاتی است که در روابط انسانی وجود دارد؟

بیشتر منظورم عقده‌های روانی‌ای است که از

تجسمی

یوریک کریم مسیحی

در دو جهت

در باب انتشار کتاب «در جهت عکس»



«در جهت عکس (۳۹ عکس، ۳۹ جستار)» منتشر شد. همان طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، کتاب دربردارنده ۳۹ جستار است راجع به ۳۹ عکس. اما در واقع ۴۲ عکس، چون دو تا از جستارها راجع به دو عکس است و یک جستار راجع به سه عکس. (کتاب قبلی من «شب سپیده می‌زند (۲۶ عکس/فیلم/ ۳۶ جستار)» بود و من خواستم این فرم تیتراگزینی را حفظ کنم، شاید بخواهم کارم را در این زمینه ادامه بدهم و در ادامه هم در همین فرم تیترها را انتخاب کنم.) ۲۶ تا از جستارها پیش از این در فاصله بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ در مجله ماهانه «دوربین عکاسی» منتشر شده بود و سه تای آن در «حرفه:

هنرمند»، شکل و شمایل کتاب بسیار خوب و آبرومندانه از آب درآمده است که تماماً به کار ناشر، «نشر پیدگل»، مربوط است. هم گرافیک کتاب (کار سیاهش تصاعدیان)، هم انتخاب کاغذ و قطع کتاب و کیفیت چاپ. بر پيشانی کتاب یادداشتی است از تری برت که در بین عاكسان و عكس‌بازان و عكس‌دوستان و عكس‌پژوهان ایران بسیار شناخته شده است. آقای برت منتقد و نظریه‌پرداز بسیار مهم، مطرح و تاثیرگذار است. ایشان با متانتی که در سرزمین خودمان چندان نمی‌توان سراغ گرفت، پذیرفتند که برای کتاب نویسنده‌ای که نمی‌شناسند یادداشت بنویسند، یادداشتی سراسر امید و دلگرمی. البته چنان که در قسمت سپاسگزاری گفتم،ام ایشان ترجمه دو سه تا از جستارها را به انگلیسی (ترجمه دوست نازنینم وازیرک درساهایکان) خواندند و فایل کل کتاب را هم دیدند، پس می‌دانستند که برای چه کتابی قرار است یادداشت بنویسند و بعد از اینکه مطمئن شدند ناشر خصوصی و غیردولتی است، ظرف مدت کوتاهی یادداشت را نوشتند و به من رساندند. به جز یادداشت تری برت، دوست بسیار عزیزم اسماعیل عباسی نیز مقدمه‌ای برای کتاب نوشتند که همان طور که از ایشان انتظار می‌رفت، مقدمه‌ای بسیار سنجیده و حرفه‌ای از آب درآمده است.پس از این دو، مطلب من است راجع به چستی این جستارها، که چه هستند و چه نیستند، نقد، نظر، بررسی، مقاله، یادداشت… کدام یک؟ و چرا؟پس از آن، جستارهای سسی‌ونه‌گاه آمده است و پس از آن هم معرفی فشرده عکاسانی که عکس یا عکس‌هایی از آنها در کتاب آمده است. کتاب در ۲۱۲ صفحه منتشر شده است، روی کاغذ گلرسه، به قیمت ۸۰۰۰ تومان، از طرف «نشر پیدگل».

روای مهم

■ **نمایشگاه خط‌نقاشی سه نسل هنرمندان معاصر در نگارخانه ساریان**

نمایشگاه خط‌نقاشی‌های سه نسل هنرمندان معاصر ایران در نگارخانه «ساریان» برپا خواهد شد. در این نمایشگاه آثاری از هنرمندانی نظیر سیدمحمد احصایی، نصرالله افجه‌ای، صداقت جبباری، عنایت‌الله نظری‌نوری، حسین کاشیان، هادی روشن‌ضمیر، علیرضا سعادت‌مند، علی شیرازی، عین‌الدین صادق‌زاده، بهرام حنفی، پیمان پیروی، محسن دایی‌نبی، کیومرث صادقیان، امیرصادق تهرانی، فهیمه محمدی، احمد محمدپور، علیرضا افشاری، محبی، سالار احمدیان و… به روی دیوار خواهد رفت. این نمایشگاه ۶ بعدازظهر پنجشنبه ۲۸ مرداد در نگارخانه ساریان افتتاح شد و تا نهم شهریور ۸۹ دایر خواهد بود. نگارخانه واقع در خیابان شهید بهشتی ، چهارراه صابونچی (مهناز)، خیابان مهنادوست،پلاک ۸ است.

■ **طبیعت در رقص در نگارستان آن**

نمایشگاه «طبیعت در رقص» شامل آثاری از امیرحسین حشمتی در نگارستان آن برگزار می‌شود. این نمایشگاه ۲۹ مرداد برگزار شد و تا سوم شهریور ماه ادامه دارد. استثنائاً نگارستان روز شنبه ۳۰ آرمرداد باز است و ساعات بازدید از این نمایشگاه ۱۳ تا ۲۲ است.

■ **عکس‌های مرتضی تیموری در گالری هما**

گالری «هما» به روال هر سال با شروع ماه مبارک رمضان به مدت دو هفته تعطیل می‌شود و بعد از آن از ۱۹ شهریورماه سال جاری فعالیت خود را مجدداً از سر می‌گیرد. این گالری نیمه شهریورماه و در فعالیت دوباره خود با نمایش عکس‌های مرتضی تیموری به استقبال تماشاگران می‌رود. نمایشگاه گروهی «دختران امروز» آخرین برنامه‌ای بود که با آثاری از مرضیه باقری،لادن ربورجودی، بهرو باقری، سافر دثیری، آلا هدقان، اهو حامدی، زهرا حسینی، شیرین ملک‌اسماعیلی و گلناز طبیب‌زاده در گالری هما به نمایش درآمد.

■ **جشنواره هنرهای تجسمی آزادگان در صبا**

جشنواره هنرهای تجسمی آزادگان با موضوع «آزادگان اسارت و فرهنگ مقاومت» همزمان با بیستمین سالروز ورود آزادگان در موضوع «صبا» افتتاح شد.

این جشنواره شامل آثار مفهومی، جبهه، نقاشی، عکاسی، تصویرسازی و هنرهای جدید است و تا آخر هفته دفاع مقدس و اواخر ماه مبارک رمضان ادامه خواهد داشت. این جشنواره اولین دوره‌اش با موضوع آزادگان است و در سال‌های آینده ادامه خواهد داشت، گرچه ممکن است در قالب دوره‌ساله باشد. جشنواره در شش بخش: نقاشی، پوستر، تصویرسازی، حجج، عکس و هنر جدید، ویدئوآرت، هنر مفهومی در برگزار شد. در بخش نقاشی ۱۷۱ اثر از ۷۰ هنرمند، در بخش پوستر ۱۰۵ اثر از ۵۹ هنرمند، در بخش تصویرسازی ۷۹ اثر از ۴۸ هنرمند، در بخش حجم ۴۹ اثر از ۲۵ هنرمند، در بخش عکس ۱۶۰ اثر از ۷۰ هنرمند، و در بخش هنر جدید، هنر مفهومی، ویدئوآرت ۳۰ اثر از ۳۰ هنرمند بر اساس معیارهای حرفه‌ای و کارشناسی انتخاب و آماده ارائه در نمایشگاه شده است.

■ **نمایشگاه پوستر ماه رمضان بر دیوارهای خانه هنرمندان**

نمایشگاه پوستر ماه مبارک رمضان در خانه هنرمندان ایران برپا شد. ۷۵۰ اثر به دبیرخانه این نمایشگاه ارسال شد و هیات داوران شامل «قباد شیوا»، «مسعود سپهر»، «مصطفی اوچی»، «فرزاد ادیبی» و «حسن پارسا» ۷۰ اثر را از میان مجموعه آثار ارسالی انتخاب کردند. از این ۷۰ اثر، ۱۲ اثر نمایشگاه تا پایان ماه رمضان برگزار شد و در مراسم اختتامی این نمایشگاه ۱۵ شهریورماه اعلام می‌شود. به گفته مدیرمهره در این نمایشگاه آثاری از هیات داوران و طراحانی همچون محمدرضا دادگر، مصطفی ندرو، مهنوش مشیری، علی خوشرشدپور، مسعود نجابتی، کوروش پارسائزاد، بیژن صفوری، پریسا تشکرکی و… به نمایش درآمده است.

■ **آیه‌های نور، نمایشگاهی با محوریت فرم‌های نوین خوشنویسی**

حدود ۶۰ اثر در نمایشگاه آثار خط‌نقاشی قرآنی با عنوان «آیه‌های نور» به موزه هنرهای معاصر فلسطین به نمایش گذاشته شده است. در نمایشگاه «آیه‌های نور» ۲۸ اثر از حسین لطافی، ۱۵ اثر از علی تن و ۱۷ اثر از عظیم فلاح در بخش دیب عموم قرار گرفته است. در این نمایشگاه که تا پایان ماه رمضان برگزار شد، عکس‌هایی از آیه‌های قرآن، بر روی تابلوهایی به‌صورت ترکیبی از خط و نقاشی ارائه شده است. سبک موجود در این نمایشگاه، گرایش‌های نوین خوشنویسی بود با محوریت فرم‌های نوین خوشنویسی که به سنت میل نداشت و شامل حرف‌های انتزاعی بود.

■ **برگزاری چهاردهمین نشست گالری برگ**

چهاردهمین برنامه از سلسله نشست‌های تخصصی و پژوهشی گالری «برگ» به یکی از هنرمندان خوشنویس با یکی از هنرمندان گرافیست اختصاص دارد.

بزرگداشت ابوالفضل عالی یا سیدحسین برخانی از جمله پیشنهادهات برای برپایی چهاردهمین نشست پژوهشی گالری «برگ» است که البته هنوز قطعی نشده است. اما قطعی شدن نام هنرمند، مراسم بزرگداشت در نیمه دوم ماه مبارک رمضان و هفته اول شهریورماه برگزار خواهد شد. ابوالفضل عالی هنرمند نقاش و گرافیست متولد ۱۳۳۴ در تهران و از فارغ‌التحصیلان ممتاز گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. او از جمله هنرمندان متعهد انقلاب اسلامی است که از آغاز فعالیت هنری‌اش از هیچ تلاشی برای تحقق این باساور و آرمان فروگذار نکرد. پس از پیروزی انقلاب، عالی فعالیت جدی خود را در عرصه گرافیک آغاز کرد و در این مسیر در پایگاه‌های مختلف حضور یافت، اما درنهایت با پیوستن به جریان نوپای هنرمندان انقلابی در حوزه هنری و راهاندازی واحد گرافیک، کار خود را در عرصه گرافیک انقلاب اسلامی به طور متمرکز ادامه داد که از این رو عالی را می‌توان از جمله بنیانگذاران حوزه هنری به شمار آورد. سیدحسین میرخانی نیز از خوشنویسان و تسعلیق‌نویسان معاصر و از بنیانگذاران و اساتیدآرشد انجمن خوشنویسان ایران بود. در همان ابتدای تشکیل انجمن خوشنویسان در سال ۱۳۳۰ حسین میرخانی به عنوان استاد ممتاز مشغول به تدریس شد و می‌توان گفت با گرفتن دوام و رسمیت یافتن انجمن در آن زمان مروه‌ن تلاش‌های او بود. او در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۶ یعنی حدود ۲۵ سال بدون هیچ وقفه‌ای کرسی خود را در انجمن خوشنویسان حفظ کرد. سیدحسین میرخانی سرانجام درخام سال ۱۳۶۱ پس از چند سال نابینایی درگذشت.